



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af

1515

فروشنده گان بازیچه های خطرناک
تحت پیگرد قرار می گیرند

صفحه ۳

حکومت سه سال دیگر را هم
همین گونه سپری خواهد کرد

صفحه ۶

معین مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله:

باند شش نفری قاچاق چیان
مواد مخدر را در بغلان بازداشت کردیم

در سه ماه امسال ۷۴۰ قاچاقچی مواد مخدر بازداشت شده اند

صفحه ۶

«با دست پُر به وارسا می رویم»



صفحه ۶

تلاش برای آب

میباشد، با درک اولویت اساسی قریه شان که همانا دسترسی به آب صحتی بود، همه باهم متفق شدند پلان اعمار یک شبکه آبرسانی را در سطح قریه مورد بحث قرار دادند. پروژه مذکور، پس از سپری شدن مراحل سروی و ارزیابی دقیق، با صرف هزینه مجموعی (۱۱۱۱۱۲) افغانی که مبلغ (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی آن از بودجه برنامه همبستگی ملی و مبلغ (۱۱۱۱۱۲) افغانی سهم مردم میباشد، عملاً تکمیل گردید که اکنون مورد استفاده اهالی قرار دارد. قابل یادآوریست که به تعداد (۴۳۷) تن از مجموعی (۱۰۰) فامیل این قریه از مزایای آب صحتی آشامیدنی آن در نزدیکی خانه های خویش مستفید میشوند.

لازم به یاد آور نیست که اخیراً با راه اندازی پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات زیر چتر برنامه ملی ایجاد کار برای صلح در اکثر ولایات کشور ما، از یکسو بخاطر تداوم پروژه های مذکور روند ترمیم و بازسازی پروژه های ترمیم طلب آغاز گردیده و از جانب دیگر، برای روستاییانی که در این پروژه ها به کار گماشته میشوند، یک مقدار پول به عنوان معاش پرداخته میشود که در تقویت بنیه اقتصادی روستا نشینان ما تأثیر قابل ملاحظه بی را نیز بجا گذاشته است.



12/05/2015 12:16

آب، مایه زنده گی است و تلاش برای رسیدن به آن، در حقیقت، تلاش برای تداوم زیستن است. روی همین اصل است که برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات در کنار تطبیق هزاران پروژه عام المنفعه مورد نیاز مردم روستاها، زمینه را برای دسترسی آنان به آب آشامیدنی صحتی فراهم کرده است. این برنامه ملی انکشافی تاحال توانسته است به تعداد بیشتر از (۲۱۶۷۴) پروژه آب آشامیدنی صحتی و شبکه های آبرسانی را در اکثر روستای های کشور تطبیق و مورد بهره برداری ده نشینان ما قرار دهد که این امر موجب شده است تا مردم قریه های ما با استفاده از آب صحتی، از گزند امراض مکرری نجات یابند و مانند سایر هموطنان ما، بتوانند زنده گی مرفه و سالم را دنبال نمایند.

قریه «غال منا» مربوط ولسوالی دولت یارولایت غور، از زمره همان روستاهایی است که در سالهای های گذشته آب آشامیدنی نداشت و هر فامیل بخصوص خانمها از دریا توسط مرکب و یابه سرخود آب می آوردند و آنهم آبی که از نظر صحتی مناسب نبوده و همیشه، اطفال و کهنسالان را به امراض مکرری، مبتلا میساخت. همچنان هر روز زنان و اطفال قریه، برای آوردن آب آشامیدنی مجبور بودند فاصله (۳) کیلومتری را تا منبع آب آشامیدنی که همانا دریای هریرود بود، طی نمایند. بخصوص در فصل زمستان مشکل حمل و نقل آب از دریا به خانه های روستاییان خیلی بادشواری مواجه میشد.

محمدایوب یکی از باشندگان این قریه میگوید:

«من با یک حادثه بینهایت غمناک و تکاندهنده مواجه شده ام که اکنون با گذشت چندین سال از آن حادثه، بازهم اشک در چشمانم حلقه می زند. وی میگوید، در سال (۱۳۸۵) دودخترم بنام های سکینه و نجیبه (سکینه ۱۱ ساله نجیبه ۸ ساله) برای آوردن آب به سمت دریا رفته بودند ولی متأسفانه در حین پرکردن بشکه های آب، یکی شان به دریا افتاد و دیگرش که به کمک خواهر خود شتافت، او نیز به دریا افتاد و جان شیرینش را باخت. بعد از گذشت چندین ساعت افراد دیگری که از قریه جهت بردن آب رفته بودند، اجساد بی جان کودکانم را یافته و به قریه آوردند. غم از دست دادن آنها برای همیشه در قلبم مانند زخمی التیام ناپذیر، باقی است.»

«بی بی جان» یکی از زنان این قریه میگوید:

«در روزهای بارنده گی زمستان، مشکلات زیادی را متحمل میشدیم. در روستای ما عرف چنان است که آب را باید زنان به سری خود به خانه بیاورند، زیرا اگر مردان اینکار را انجام دهند، عمل مذکور نزد اهالی قریه عیب بزرگ بوده و آنان را با الفاظ نامناسب، مورد طعنه و تمسخر قرار میدهند. بنا گاهی در زمستان، هوا آنقدر تاریک میشد که هم دیگر خود را دیده نمیتوانستیم و مجبور بودیم مانند حیوانات با کشیدن صداهای خاص، احساس یکجا بودن و یانزدیک بودن را به یکدیگر خود بدهیم.»

خوشبختانه زمانیکه برنامه همبستگی ملی در ولسوالی دولت یار آغاز شد، مردم قریه غال منا دست به دست هم داده و شورای انکشافی قریه شانرا ایجاد کردند. اعضای شورای انکشافی که متشکل از زنان و مردان قریه

پرتو نادری

مرکز عدلی قضایی یا محکمه اختصاصی انقلابی



به زنده‌گی ننگین خود ادامه می‌دهند و مردم، رسانه‌ها و نهادهای کشوری و جهانی که در زمینه فساد در افغانستان پژوهش‌هایی کرده‌اند، آنان را خوب می‌شناسند!

امروزه ده‌ها گزارش پژوهشی به وسیله رسانه‌های کشوری و نهادهای جهانی در پیوند به فسادپیشه‌گان، آدم‌زبایان و متجاوزان به ناموس مردم به نشر رسیده است. گزارش‌هایی که نه حکومت کزری به آن‌ها اعتنایی کرد و نه هم حکومت وحشت ملی! اگر هدف از این نهاد عدلی و قضایی این است که غنی بخواهد شمشیر «داموکلس» را بر فرق مردم بیاویزد و تنها آن‌شمار فاسدان حکومت کزری را که حال به منتقدان او بدل شده‌اند، به محکمه بکشاند و بر فرق فاسدان وابسته به خود و عبدالله دست نوازش بکشد، باید بداند که این ترغدها دیگر ره به جایی نمی‌برد و تاریخ روی ریاکار را سپید نمی‌سازد.

غنی باید چنین نهادی را از همان آغاز پایه‌گذاری می‌کرد، حال که دوسال و اندی از عمر مشروعیت ساخته‌گی حکومت او نمانده است، این امر بیش از یک ادای عوام‌فریبانه، چیز دیگری نمی‌تواند باشد. شماری از فسادپیشه‌گان در دستگاه کنونی به چنان جایگاه‌هایی رسیده‌اند که مبارزه با آنان، به گذشتن از هفت خوان رستم می‌ماند!

اگر داکتر غنی دروغ نمی‌گوید، در نخستین گام وظایف آن فسادپیشه‌گانی که باید تعقیب عدلی شوند را به حالت تعلیق درآورد تا امکانات بهتر تحقیق در پیوند به فساد آنان فراهم شود. مشکل برای غنی این است که او با چنین افرادی از یک کاسه آب می‌نوشد، یا هم چنین افرادی در حصار حمایت مافیاهای قومی، زبانی و مذهبی قرار دارند. من فکر می‌کنم که اگر داکتر غنی عزم را هم که جزم کرده باشد و بخواهد دست‌کم گوشه‌یی از رویش را در داگه تاریخ سپید سازد، بازهم توان آن را نخواهد داشت که با پهلوانان روین‌تن فساد درآویزد. زیرا یگانه کار سازمان‌یافته، برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند و شبکه‌یی‌بی که در افغانستان صورت می‌گیرد، همانا فساد مالی و تاراج درایی‌های کشور است. برای مقابله با چنین چیزی باید هدفمند، سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده مبارزه کرد؛ چیزی که هنوز حکومت غنی - عبدالله فاقد آن است. به هر صورت، نباید بسیار بدبین بود، دیده شود آینده چه چیزی را روشن می‌کند!

پلچرخ‌یی یا هم به کشتارگاه‌های شبانه در پلچرخ‌یی.

افزون بر این، این محکمه افزاری بود در دست حکومت خلقی - پرچمی، تا مخالفان سیاسی، روشن‌فکران، شاعران و نویسندگان دیگراندیش را به زندان افکند و شکنجه کند. ما در کشور خود، هنوز هم یک رشته مفاهیم سیاسی و اجتماعی داریم که تعریف آنان به یک سرزمین بدون مرز می‌ماند. مانند: وحدت ملی، هویت ملی، ارزش‌های ملی، خیانت ملی و چیزهای دیگری. تاریخ شاهد است که حکومت‌های وابسته به بیگانه و حکومت‌های غیرملی در این سرزمین، صدها شخصیت ملی و روشن‌فکر را به اتهام خیانت ملی، خیانت به ارزش‌های ملی و خیانت به وحدت ملی، سال‌های دراز در زندان‌های مخوف شکنجه یا هم تیرباران کرده‌اند. مثلاً: عبدالرحمان لودین، عبدالولی خان دروازی و ده‌ها تن دیگر می‌شوند؛ خاین ملی و به جوخه اعدام سپرده می‌شوند؛ اما نادر خان با آن روسیاهی‌هایی که در تاریخ دارد، با آن وابسته‌گی‌هایی که به انگلیس دارد، می‌شود: شخصیت ملی و شاه ملی! شهید میوندوال می‌شود کودتاجی و در زندان با بی‌رحمی حلق‌آویز می‌شود و داوودخان می‌شود قائد ملی! و به همین گونه، در ادامه این تاریخ خونین همیشه چنین بوده است. حال آقای غنی که این نهاد را ساخته، باید در نخستین گام، فهرست فسادپیشه‌گان مالی اداری، آدم‌کشان، متجاوزان به ناموس مردم، قاچاقچیان مواد مخدر، زمین‌خواران و دهشت‌افکنانی که باید تعقیب عدلی شوند را در اختیار رسانه‌ها بگذارد. اگر به‌گونه نمادین چند تن از فسادپیشه‌گان دون‌پایه محاکمه شوند و بلندپایه‌گان فساد همچنان بر اریکه بمانند، دیگر این خود فرمان تجاوز همه‌گانی بر زنده‌گی مردم و دارایی‌های کشور است. آن‌سان که روزگاری آن قره‌قلی‌پوش دموکراسی افغانی؛ حامد کزری، به همه فسادپیشه‌گان بزرگ در اطراف خود مژده داد که اگر فساد می‌کنید بکنید، اما در همین جا در افغانستان بلندمنزل بسازید نه در دوی و جاهای دیگر!

در هر کشوری که در آن بوی قانون وجود داشته باشد، چنین رئیس‌جمهوری با چنین دستوری به محاکمه کشانده می‌شود؛ اما در افغانستان فرودگاه تاریخی کابل را به نام او می‌کنند.

اگر داکتر غنی دروغ نمی‌گوید، به مردم مراجعه کند. امروز چهره‌های فاسد، آدم‌کشان و متجاوزان به ناموس مردم با خاطر آسوده

ایجاد مرکز عدلی و قضایی برای تعقیب و به محاکمه کشاندن فسادپیشه‌گان و افراد بلندپایه دولتی که متهم به فساد مالی و اداری‌اند؛ ظاهراً می‌تواند امر نکویی باشد. اما پرسشی که به میان می‌آید این است: آیا یک دستگاه فاسد و افتاده در چنگ مافیای فساد مالی - اداری، می‌تواند با فساد مبارزه کند؟

شاید بتوان گفت آری! یعنی فسادپیشه‌گان به قدرت رسیده می‌خواهند که آن‌شمار فسادپیشه‌گانی را به دادگاه بکشند که از قدرت برکنار شده‌اند؛ همان‌هایی که این روزها با انتقادهای خود، رهبران حکومت وحدت ملی را پریشان‌خاطر می‌سازند. محاکمه هر فسادپیشه‌یی به سود کشور است، اما اگر شیوه و هدف چنین باشد، بازهم فساد همچنان برجای خود باقی می‌ماند و تنها بازیکنان شطرنج فساد تغییر می‌کنند. بدین‌گونه، نسل سوم فسادپیشه‌گان دموکرات و مجاهد، وارد معرکه می‌شوند. بهتر است گفته شود که از هم‌اکنون وارد معرکه شده‌اند.

هیاهویی را که داکتر اشرف‌غنی در روزهای نخست به‌راه انداخته بود، با گذشت زمان خاموش شد و نتیجه ملموسی در پی نداشت. گذشت زمان روشن کرد که هیچ برنامه تدوین‌شده‌یی در امر مبارزه با فساد مالی و اداری در حکومت وحدت ملی وجود ندارد.

عده‌ها و سخنان داکتر غنی، زمانی در این زمینه نقش بر آب شد که شهروندان دیدند او چگونه فاسدترین افراد را به بلندترین مقام‌ها برمی‌گمارد.

ظرف دو سال گذشته، شمار زیادی از فسادپیشه‌گان شناخته‌شده، به دور او حلقه زده‌اند. در یک چنین وضعیتی، پایه‌گذاری چنین نهادی چه پیامی می‌تواند داشته باشد؟!

وقتی خبر ایجاد این نهاد را شنیدیم، یاد آن روزگاری افتادم که اندیشه‌ها و داوریی‌ها همه سرخ بودند و افغانستان سرخ در میان آتش و خون می‌سوخت. دوران حزب دموکراتیک خلق بود. تا این حزب به میدان آمد، محکمه‌یی را به نام «محکمه اختصاصی انقلابی» پایه‌گذاری کرد. این محکمه تا پایان دوران نحیب به کار خود ادامه داد؛ محکمه‌یی که در آن هیچ متهمی حق دسترسی به وکیل مدافع را نداشت. یعنی زندانیان پس از یک دوره شکنجه‌های خونین، گروه‌گروه از این کانال خون‌آلود و تاریک می‌گذشتند و می‌رسیدند به زندان

سخن‌ماندگار

اعلامیه طالبان و توقف روند صلح

اعلامیه طالبان یک بار دیگر نشان داد که کشته شدن رهبران طالبان، تأثیری بر ادامه جنگ این گروه ندارد. طالبان زمانی در اعلامیه عیدتی، از ادامه جنگ سخن گفته‌اند که چهارمین دور نشست چهارجانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین بی‌نتیجه پایان یافته و تلاش‌ها برای برگزاری دور پنجم نیز به ناکامی مواجه شده است. با وجود این‌که بارها از گروه طالبان دعوت شده که به پروسه صلح بیوندد و نماینده‌های باصلاحیت خود را به گفت‌وگوی مستقیم با حکومت افغانستان معرفی کنند؛ اما این گروه پس از هر درخواستی، حملاتش را از سر سازماندهی نموده است. چنان‌که روز پنجشنبه طی حمله انتحاری به دو بس حامل دانشجویان اکادمی پولیس ولایت میدان وردک در کابل، نزدیک به ۱۵۰ تن شهید و زخمی شدند.

البته در این شب و روزها، درگیری‌های شدیدی میان نیروهای امنیتی با گروه طالبان در ولایت‌های مختلف کشور راه‌اندازی شده است. در عملیات تازه نیروهای امنیتی کشور در ولایت میدان وردک، ننگرهار و بدخشان و فاریاب، تلفات زیادی بر طالبان وارد شده است. در برخی ولایت‌های دیگر اما، جنگ در برابر طالبان متوقف است؛ زیرا فصل برداشت تریاک است و فصل سکوت. اما مسلماً با گذشت این فصل، طالبان عملیات‌هایشان را افزایش خواهند داد و دولت هم در برابر، موضع‌گیری خواهد کرد.

در پانزده سال اخیر، چه در دوران حامد کرزی و چه در دوران حکومت وحدت ملی، مقامات افغانستان همواره حکومت پاکستان را متهم به حمایت از گروه طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت نموده است. اما حالا به‌تازگی حکومت پاکستان گفته است که هدف قرار دادن گروه‌های افراطی، به رشد افراطیت کمک می‌کند، و اکنون اعلامیه طالبان از قایم‌مقام شدن جنگ برای مدت نامعلومی حکایت دارد. یعنی این‌که پاکستان ضمن آن‌که در تلاش رها کردن خود از نزدیکی یک انزواست، از طالبان حمایتش را ادامه می‌دهد.

اینک بسیار واضح شده که دولت افغانستان روزهای پُرچالشی را با طالبان در پیش خواهد داشت و رهبری جدید طالبان، جنگ را شعله‌ور می‌کند و پاکستان هم از آنان کماکان حمایت خواهد کرد. از جانب دیگر، جبهه داعش نیز به روی دولت افغانستان باز است و جنگ دولت، هم در جبهه داعش و هم در جبهه طالبان، به گسترده‌گی نامنی‌ها می‌افزاید و ماه‌های دشواری را پیش روی نیروهای دولتی می‌گذارد.

شکی نیست که بعد از این، نیروهای امنیتی خود را از حالت دفاعی به حالت تعرضی درمی‌آورند. با این حال، هنوز هم معلوم نیست که حکومت افغانستان اراده سیاسی برای سرکوب گروه‌های مخالف مسلح دولت را دارد و یا خیر. در سال‌های گذشته، انتقاد جدی از همین مسأله بوده است. از طرف دیگر، باید دانست که نهادهای امنیتی کشور تا چه اندازه ظرفیت سرکوب گروه‌های مخالف مسلح دولت را دارند. البته پاسخ این سوال تقریباً مشخص است؛ زیرا این بار امریکایی‌ها تصمیم دارند که طبق خواست دولت و نهادهای امنیتی کشور، مناطق و مراکز که ضرورت باشند را بمباردمان کنند؛ یعنی قوت پشتیبانی هوایی از نیروهای امنیتی نیز در حال افزایش است و بدون شک، این امر موفقیت‌های نظامی ما را بالا می‌برد.

اما حالا، هم جامعه جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا و هم جانب دولت ما، به گفت‌وگوهای صلح خوش‌بین نیستند و به همه‌گان واضح شده که پاکستان در این زمینه هیچ همکاری‌یی نمی‌کند. بنابراین، دیگر تلاش‌های صلح به شکل رسمی متوقف است و اگر هم راه بیفتد، نتیجه‌یی ندارد. خوب است که دولت روی استراتژی جنگ در برابر طالبان فکر کند و این موضع را تا زمانی ادامه دهد که طالبان خودشان صدای صلح و مذاکره را بلند کنند. البته این مأمول زمانی به‌دست می‌آید که دولت از طرق مختلف پاکستان را زیر فشار نیروهای ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی قرار دهد تا در نتیجه، آن کشور از استراتژی‌یی که دارد، منعطف گردد و در امر صلح در افغانستان همکاری کند.

وزارت داخله:

فروشندگان بازیچه‌های خطرناک تحت پیگرد قرار می‌گیرند



خطرناک به کشور از سوی وزارت امور داخله ممنوع شد، اما امسال تنها که از وارد شدن آن جلوگیری نشده است که بیشتر از سال گذشته نیز وارد و به فروش می‌رسد. عید فطر در ذات خود یک جشن مذهبی است و مسلمان‌ها همه ساله از این روز تجلیل می‌کنند. جنبه دینی این روز از نگاه این که شهروندان را به کمک به نیازمندان تشویق می‌کند، تأثیر خوبی دارد. برخی‌ها حتی معتقدند که یکی از دلایل روزه گرفتن این است که مردم سیر از درد گرسنه‌ها باخیر شوند. لذا، عید فطر فرصتی است که ثروتمندان به تنگدستان کمک کنند تا آن‌ها را از «روزه مدام» نجات دهند.

می‌رسد، بر اثر بی‌توجهی دولت، چندین جای از موتور و تجار پول گرفته می‌شود و آن‌ها مجبورند پولش را بالای مواد اضافه کنند، همین‌گونه تا این مال به دوکان‌ها می‌رسد، طبیعی است که پولش بیشتر می‌شود. همزمان با این، شهروندان از وارد شدن بازیچه‌های خیر معیاری برای اطفال مانند اسلحه پلاستیکی و پتاقی و... از پاکستان نیز شکایت دارند. آنان می‌گویند که این بازیچه‌ها از یک‌سو بر روان اطفال تأثیر منفی دارد و آن‌ها را خشن بار می‌آورد، از سوی دیگر سبب زخمی شدن‌شان نیز می‌گردد. شهروندان از حکومت انتقاد کرده می‌گویند، با آن‌که سال گذشته وارد و فروش اسلحه و سایر بازیچه‌های

حکومت هم بیکاری روزبه‌روز افزایش می‌یابد و هم قیمت مواد خوراکی. باشندگان شهر کابل می‌گویند، همه ساله در روزهای مناسبی قیمت مواد خوراکی در بازارهای افغانستان افزایش می‌یابد و حتی بعد از سپری شدن این روزها، قیمت‌ها به همان پیمانانه باقی می‌ماند و برای دوباره پایین آوردن آن هیچ‌کسی توجه نمی‌کند. احمد فرید که در خیرخانه شغل کفایشی دارد و از این درک خانواده هشت نفره‌اش را نان می‌دهد به روزنامه ماندگار می‌گوید، امسال به دلیل بیکاری و نبود کار نتوانستم برای عید خرید کنم، چون پول اندکی که دارم تنها می‌تواند روزهای عادی را اندکی کفایت کند. احمد فرید می‌افزاید: «نرخ مواد خوراکی هم نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته و این کار مشکلات ما را دوچندان ساخته است. زنده‌گی در افغانستان بسیار دشوار شده است.»

قربان علی که ظاهراً دل‌پُری از حکومت دارد و آنرا به شدت انتقاد می‌کند، می‌گوید: از وقتی که حکومت جدید افغانستان تشکیل شد، مردم روز خوشی را ندیده‌اند، مسوولان این حکومت از شروع تا به حال تنها کاری که انجام داده‌اند، تقسیم چوکی و قدرت بوده است و بس.

آقای قربان علی اضافه می‌کند: برای آن‌ها هیچ تفاوتی نمی‌کند که کسی غذای شب و روزشان را دارد یا نه، بیکاری و نبود پول سبب شده است که بسیاری مردم مانند من عید برای‌شان مفهومی نداشته باشد. او خاطر نشان می‌سازد: از بس مردم بیکار و بی‌چاره شده‌اند؛ از دزدی یک جوهره بوت از خانه خدا هم دریغ نمی‌کنند.

محمد کریم یک تن از دکان‌داران سرای شمالی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: بیشتر مواد خوراکی افغانستان از پاکستان وارد می‌شود، وقتی روابط سیاسی دولت افغانستان با پاکستان خراب می‌شود، پاکستانی‌ها یا راه تورخم را می‌بندند و یا مواد خوراکی را قیمت می‌کنند. او تأکید می‌کند: وقتی مواد از پاکستان تا به کابل

همزمان با پایان یافتن ماه مبارک رمضان و فرارسیدن عید سعید فطر، وزارت امور داخله می‌گوید، برنامه امنیتی را برای امنیت شهروندان در روزهای عید روی دست گرفته‌اند که بر بنیاد آن، امنیت مساجد، تکایا، پارک‌های تفریحی و راه‌ها تحت پوشش قرار می‌گیرند. وزارت داخله می‌گوید، تطبیق این برنامه از امروز (دوشنبه، ۱۴ تیر/جوزا) آغاز می‌شود و مطابق آن، دکانداران و بازرگانانی که سلاح پلاستیکی، پتاقی و سایر بازیچه‌های خطرناک را وارد کرده‌اند، شناسایی و مورد پیگرد قرار می‌گیرند.

نجیب دانش، معاون سخنگوی وزارت امور داخله در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: وزارت داخله برنامه امنیتی را روی دست دارد که براساس آن، مساجد، تکایا، پارک‌های تفریحی و سایر ساحاتی که شهروندان در آن‌جا به گشت‌وگذار می‌پردازند، تحت پوشش امنیتی قرار می‌گیرد.

آقای دانش می‌افزاید: در این برنامه امنیتی، تأمین امنیت راه‌ها با ایجا پوسته‌های امنیتی ثابت و سیار روی تحت پوشش قرار می‌گیرد و در کنار آن، برای مبارزه با حوادث و عرضه خدمات عاجل صحتی، نیروهای امنیتی در آماده‌گی قرار خواهند داشت.

به گفته معاون سخنگوی وزارت داخله: بازبودن جاده‌ها و جلوگیری از حادثات ترافیکی هم جزء برنامه ما است که از امروز دوشنبه تطبیق آنرا آغاز می‌کنیم. او خاطر نشان ساخت: هیچ دکان‌دار و بازرگانی حق ندارد اسلحه پلاستیکی و پتاقی و سایر بازیچه‌های خطرناک را وارد و به فروش برساند و در صورت تخلف عاملان آن شناسایی و به ارگان‌های عدلی و قضایی معرفی می‌شوند.

آیا عید در همه را به‌خوشی می‌کوبد؟

در کنار تمام دغدغه‌های ناامنی و دشواری‌های دیگر، با آمدن عید و افزایش بیکاری در کشور، بازارهای افغانستان حکایت‌های دیگری دارند.

عید برای بسیاری‌ها جشن و برای بسیاری دیگر نگرانی است. تهیه لباس و پذیرایی از دوستان و خویشاوندان، نیازمند اقتصاد خوب است، رسم و رواج‌هایی که به‌صورت سنتی در روزهای عید در این سرزمین وجود دارد، باعث گران شدن اجناس در بازارها گردیده که این رسم‌های سنتی و پُر دردسر بیشتر دامن گیر مردانی که تازه نامزد شده‌اند هم است.

حالا شماری از شهروندان شهر کابل می‌گویند، عید برای‌شان مفهومی ندارد و این روزها را مانند روزهای عادی سپری خواهند کرد.

این شهروندان با انتقاد از مسوولان حکومت وحدت ملی، به دلیل آنچه از سوی آن‌ها عدم توانایی‌شان در امر مدیریت حکومت و ایجاد اشتغال برای شهروندان خوانده می‌شود، بیان می‌دارند، از بدو ایجاد این

برخی از نمایندگان مجلس و فعالان مدنی:

حکومت سه سال دیگر را هم همین‌گونه سپری خواهد کرد



جامعه جهانی به خوبی این مورد را می‌داند. وی افزود: هدف ناتو از این پیشنهادات، فشار آوردن به حکومت افغانستان برای کاهش حداقل فساد در افغانستان و آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی و برگزاری یک انتخابات حداقل قناعت‌بخش است. با این حال، چمن شاه اعتمادی عضو مجلس نمایندگان می‌گوید: جامعه جهانی و ناتو می‌داند که این شرط‌ها تحقق‌پذیر نیست، اما می‌خواهند با فشار آوردن به حکومت افغانستان حد اقل اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی به میان آید. او با انتقاد از حکومت گفت: اگر اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی به میان آید بدون شک ما انتخابات بهتری خواهیم داشت؛ اما حکومت اراده برای اصلاحات انتخاباتی ندارد. وی تأکید کرد: در فرمانی رییس‌جمهور که به مجلس نمایندگان فرستاده شده بود، هیچ‌گونه اصلاحاتی در نظر گرفته نشده بود به جز تغییر چهار کمیشنر و مسایل سطحی. به گفته اعتمادی: در مورد فساد اداری هم که همه می‌دانند کی‌ها فساد می‌کنند، ولی متأسفانه اراده‌ی برای مبارزه با فساد وجود ندارد، زیرا مفسدین یا افراد بلند پایه حکومتی اند و یا از جمله مشاورین رییس‌جمهور. این عضو مجلس تصریح کرد: فساد در افغانستان به یک فرهنگ مبدل شده و در تمامی لایه‌های حکومت وجود دارد؛ بنابراین مبارزه با فساد کار ساده و آسانی نیست. او همچنان گفت: تمام این موارد را جامعه جهانی می‌داند، بنابراین هدف از این شرایط فشار برحکومت افغانستان برای حداقل آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی است. این پیشنهادات ناتو در حال به حکومت افغانستان اراده

شرط‌هایی را مبنی بر اصلاحات در نظام انتخاباتی، ثبات سیاسی و مبارزه با فساد اداری اراده کرده‌اند. مقام‌های ناتو می‌گویند، این سازمان در نشست سالانه‌اش روی همکاری درازمدت با افغانستان توافق خواهد کرد؛ اما کمک به افغانستان دوجانبه است و کشورهای عضو این سازمان در بدل همکاری‌های‌شان خواستار ثبات سیاسی، مبارزه علیه فساد، اصلاحات در نظام انتخاباتی و تأمین حقوق بشر اند.

اما عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی بارومند نیست که حکومت افغانستان بتواند این خواست‌های ناتو را برآورده سازد. رفیعی می‌گوید: حکومت افغانستان اراده‌ی برای برگزاری انتخابات ندارد و می‌خواهد با همین وضعیت تا سه سال دیگر و یا هم برای یک دوره دیگر به حکومت‌داری ادامه دهد.

به گفته او: از حکومتی که براساس توافق‌نامه سیاسی به وجود آمد و یکی از ماده‌های آن اصلاح نظام انتخاباتی بود؛ اما تا حالا برای آوردن اصلاحات کوچکترین تلاشی نمی‌کند، چطور انتظار داشت که اصلاحات بیاورد!

رفیعی تصریح کرد: حکومت برای رای‌گیری وزرا در مجلس تلاش بسیار کرد، اما برای تصویب فرمان تقنینی مبنی بر تصویب قانون انتخابات هیچ‌گونه تلاش نکرد، این نشان می‌دهد که حکومت اراده‌ی برای برگزاری انتخابات ندارد.

او همچنان گفت: مبارزه با فساد از توان حکومت خارج است؛ زیرا فاسدین افراد معمولی نیستند که آنان را به دادگاه بکشاند، فاسدین یا وزیر اند، یا وکیل و یا هم از جمله مشاورین رییس‌جمهور.

رییس مجتمع جامعه مدنی تأکید کرد: حکومت تنها می‌تواند در سطوح پایین فساد را کنترل کند؛ اما جلوگیری از فساد در سطوح بالا هیچ ممکن نیست و

ناجیه نوری



حکومت افغانستان اراده‌ی برای برگزاری انتخابات ندارد و می‌خواهد با همین وضعیت تا سه سال دیگر و یا هم برای یک دوره دیگر به کار ادامه دهد.

شماری از فعالان مدنی و نمایندگان مجلس می‌گویند: حکومت برای رای‌گیری وزرا در مجلس تلاش بسیار کرد، اما برای تصویب فرمان تقنینی مبنی بر تصویب قانون انتخابات، هیچ‌گونه تلاشی نکرد.

به گفته آنان: هدف ناتو از پیش شرط‌ها برای ادامه همکاری‌اش، فشار آوردن به حکومت افغانستان برای کاهش حداقل فساد، آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی و برگزاری یک انتخابات حداقل قناعت‌بخش است. این واکنش‌ها پس از آن ابراز می‌شود که مقام‌های ناتو برای ادامه همکاری‌های‌شان با دولت افغانستان پیش

فرید موسوی

پیش فرض غلط در جامعه‌شناسی

به نظر من، برای درک بهتر نظریه‌های جامعه‌شناسی، باید از منظر جامعه‌شناسی معرفت، وارد شد. شناخت بسترهای زمانی و مکانی تبلور یک نظریه، تأثیر زیادی در درک آن نظریه دارد، اما قبل از شروع بحث خود لازم می‌دانم چند کلیشه و پیش فرض غلط را که در مورد نظریه‌های جامعه‌شناسی شکل گرفته است، معرفی کنم.

اولین پیش فرض غلط، این تصور است که نظریه‌های جامعه‌شناسی که توسط بنیان‌گذاران ارایه شده، اساس جامعه‌شناسی است و باید سایر نظریه‌های جامعه‌شناسی را برای ارزیابی با آن‌ها مقایسه کرد. مثلاً برای ارزیابی نظریه‌های "مید می‌آیند" این نظریه را با نظریه‌های "دورکیم" مقایسه کرده و بعد در مورد آن اظهار نظر می‌کند. در صورتی که این نظریه‌ها از هستی‌شناسی متفاوتی برخوردار هستند. اگر این قضیه را مدنظر قرار ندهیم، دچار ارایه حکم ارزشی شده و کاری غیرعلمی انجام داده‌ایم. یک پیش فرض غلط دیگر، تقسیم‌بندی خرد و کلان است.

جامعه‌شناسی معرفت به ما کمک می‌کند که بفهمیم آنچه آگاهی اجتماعی را به وجود می‌آورد، برآیندی از ذهن و عین است. آگاهی‌های اجتماعی در یک رابطه دیالکتیکی بین ذهن و عین، چه در بین متخصصان و چه در بین عوام، شکل می‌گیرد؛ اما منظور من از دیالکتیک، دیالکتیک تک‌اسلوبی هگلی نیست، بلکه یک دیالکتیک چنداسلوبی مانند همان چیزی که گروپچ مطرح کرده است.

بنابراین، اگر در یک دوره زمانی نظریات کلان مطرح می‌شود، نشانه متاثر شدن از ویژه‌گی‌های زمانی و مکانی آن دوره است و این حکم ارزشی ندارد؛ یعنی نه درست است و نه غلط، مثلاً نظریات تفسیرگرایی نظم پارسونزی را نمی‌شناسد. این نشانه غلط بودن یا درست بودن این نظریه نیست.

چرا نظریات روزمره به وجود آمد؟

برای پاسخ به این پرسش، باید تاریخ جامعه‌شناسی را مرور کنیم. به نظر من سه دسته از نظریات تفسیرگرایی وجود دارد که عبارت‌اند از تفسیرگرایی اروپایی، تفسیرگرایی آلمانی و تفسیرگرایی آمریکایی. از لحاظ زمانی، تفسیرگرایی آمریکایی زودتر از اروپا به وجود آمد.

شکل‌گیری نظریه‌های جامعه‌شناسی، مترادف است با مدرنیته آغازین و میانی و یا به عبارت دیگر، بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۷۹۲ و ۱۷۹۲ الی ۱۹۱۴؛ اما باید دید در این دوره چه اتفاقاتی افتاده است. در این دوره، جامعه متأثر از شکست فیودالیسم است و همچنین متأثر است از انقلاب‌های صنعتی و اجتماعی و رشد فردیت جدید. در این دوره جامعه از بند سنت‌ها، حکومت‌های دینی استبدادی و فیودالیسم رها شده است.

سیل جمعیت به واسطه انقلاب صنعتی، وارد شهرها شده و نظم جامعه را به خطر انداخته است. بنابراین، دغدغه اصلی جامعه‌شناسان اولیه، جذب دوباره فرد در سیستم و برقراری نظم است، حتا مارکس نیز معتقد بود یک طبقه باید به وجود بیاید تا افراد درون آن جذب گردند.

اما یک تفاوت اساسی بین جامعه آمریکا و اروپا در این دوره وجود دارد. در اروپا ساختار و نهادهای از پیش ساخته وجود دارد که فرد در مقابل آن قرار دارد؛ بنابراین جامعه‌شناسان اروپایی درک بیشتری از ساختار و نهادها داشتند و به دنبال رابطه فرد به این ساختارها بودند. دورکیم در تلاش بود که تبیین کند چه‌گونه می‌شود جامعه را بازسازی کرد تا دوباره افراد را در خود جای دهند؛ از همین‌رو مهاجران

ناگزیر از پذیرفتن هنجارها بودند.

اما در آمریکا هیچ نهاد و ساختاری که بخواهد افراد را سازگار کند، وجود نداشت. تنها سازمان موجود نهادهای بومی بودند که باید از بین می‌رفتند؛ بنابراین در جامعه‌شناسی آمریکایی سیستم وجود نداشت. تمدن آمریکایی تمدن واقعیت‌های کلان نیست، بلکه تمدن این‌جا و آن‌جایی بود؛ به این معنی که هر ایالت و هر شهر از مهاجرانی برخوردار بود که فرهنگ خودشان را داشتند.

شناخت آمریکایی‌ها از واقعیت زنده‌گی، همان چیزی است که در زنده‌گی روزمره ساخته می‌شود. بنابراین، واقعیت یا ساختار عین کنش جمعی است؛ یعنی همان اصطلاحی که استاد من بلومر به کار می‌برد: کنش پیوسته. در اروپا کنش مردم مخالف سیستم و ساختار بود؛ اما در آمریکا کنش جمعی همان واقعیت جامعه را شکل می‌داد.

تغییر مفهوم زمان و مکان

اما با گذشت زمان، جوامع اروپایی نیز دچار تغییراتی شدند که موجب شد نظریات زنده‌گی روزمره مورد اقبال بیشتری قرار گیرد و آن تغییر، مفهوم زمان و مکان بود. در مدرنیته اخیر با رشد تکنولوژی و گسترش ارتباطات، مفهوم زمان از یک پدیده بلندمدت به زمان‌الحساب تقلیل پیدا کرد و مکان نیز از یک موقعیت جغرافیایی به سمت مکان نمادین، تغییر پیدا کرد. به این معنی که ما می‌توانیم در قاره‌های

مختلف باشیم، ولی از طریق فضاهای مجازی خود را متعلق به یک مکان سمبولیک معرفی کنیم.

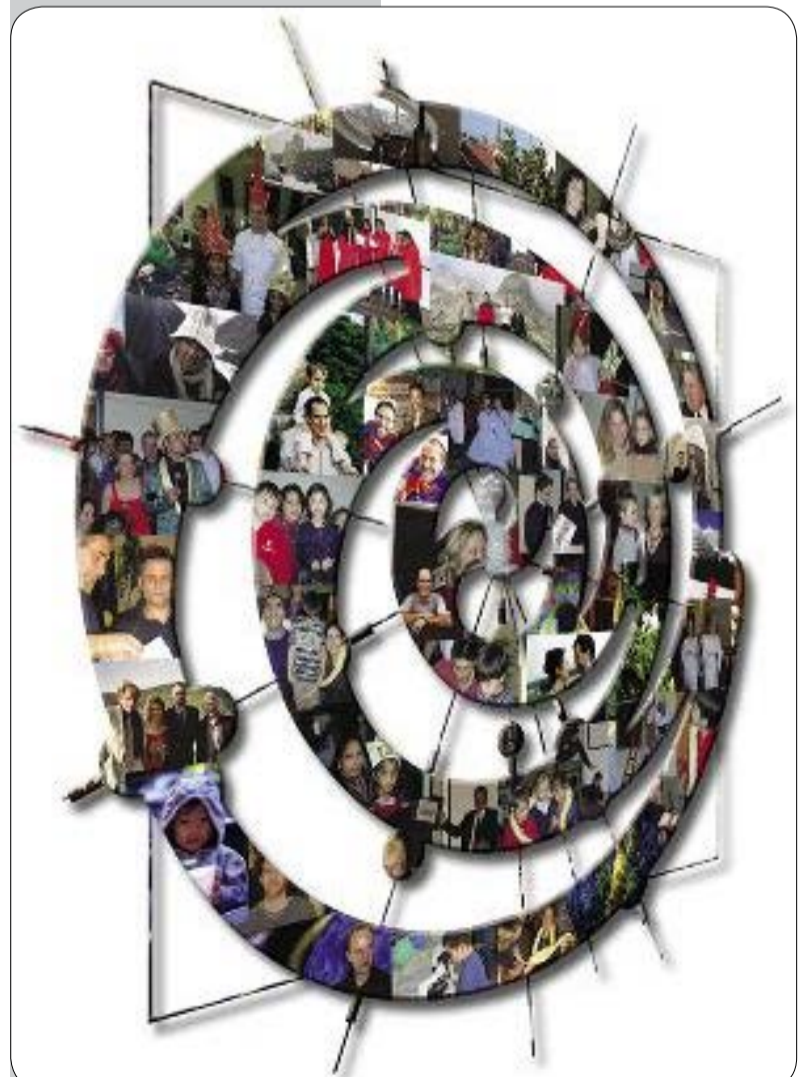
عامل دیگری که سبب شد تا نظریه‌های زندگی روزمره در اروپا هم شکل بگیرد، رشد جنبش‌های مدنی بود که ساختارهای قدیمی را ضعیف‌تر کرد و فرد را در برابر سیستم قدرتمندتر.

در نظریه‌های زندگی روزمره، بحث بر سر این است که جامعه‌شناس باید به میان مردم برود و نگاه به سیستم‌ها نکند. باید جامعه‌شناسی را از آسمان به روی زمین آورد. در این دیدگاه، جمعیت پیاده‌رو یک توده از مردم نیست؛ بلکه مجموعه‌یی از افراد است که در کنش متقابل با یکدیگر هستند و از یک نظم رفتاری تبعیت می‌کنند. در نظریه‌های زندگی روزمره، بحث خرد و کلان تنها یک بحث روش‌شناختی است؛ زیرا کنش پیوسته هم می‌تواند در سطح بین افراد مورد مطالعه قرار گیرد و هم بین نهادها و جوامع.

در نظریات ساختاری، اگر فرد کنشی مخالف ساختار انجام دهد، کجرو است؛ اما در این نظریه‌ها تنها کنشی دیگر انجام داده است که نه خوب است نه بد.

من اعتقاد دارم که نظریه‌های زندگی روزمره، به واقعیت‌های اجتماعی نزدیک‌تر است و همچنین با روح مدرنیته و آزادی، همخوانی بیشتری دارد.

اساس کار جامعه‌شناسی چیست؟



بخش چهارم روان‌شناسی قرآنی



نویسنده: دکتر مصطفی محمود

مترجم: سیداحمد اشرفی

خداوند می‌فرماید: «لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ. مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبُنَى الْمِهَادِ» (سوره آل عمران: ۱۹۶-۱۹۷)

ترجمه: تسلط و تصرف کافران در شهرها، تو را نفریبد، متاع اندکی است و پس (از این جهان) جایگاه آنان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است دوزخ. «أَيُّحْسِبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَ يَدَيْهِمْ فِي الْآخِرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ» (سوره المؤمنون: ۵۵-۵۶)

ترجمه: آیا گمان می‌کنند که ما آن‌ها را با مال و فرزند کمک می‌کنیم، (برای این‌که) شتاب کنیم برای ایشان در خوبی‌ها؟ (چنین نیست) لکن آن‌ها نمی‌دانند. «إِنَّمَا نُؤْتِيهِمْ لِيُذَكَّرُوا إِنَّمَا» (سوره آل عمران: ۱۷۸)

ترجمه: ما به آن‌ها (کافران) مهلت می‌دهیم تا به سرکشی و گناه خود بیفزایند. فرد مؤمن همه چیز را از جانب خداوند می‌داند و باور دارد که هر چه به او می‌رسد، خواه گشایش و نعمت باشد و خواه تنگدستی و مصیبت، برای آزمایش و امتحان است و قبلاً در لوح محفوظ نوشته شده است. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِمَّنْ قَبْلَ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنْ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيلًا تَأْتُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَعْرَحُونَ بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (سوره حدید: ۲۲-۲۳)

ترجمه: هیچ مصیبتی در زمین (از قحطی و فقر و آفت و ظلم) و در جان‌های‌تان نمی‌رسد، مگر این‌که قبل از خلقت در لوح محفوظ (نوشته شده) است. این کار بر خداوند آسان است. (این را به شما گفتیم) تا بر آن‌چه از دست دادید، دل‌تنگ نشوید و به آن‌چه به شما رسد، دل‌شاد نگردید و خدا هر متکبر خودستایی را دوست ندارد.

«قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» (سوره انفال: ۵۱)

ترجمه: بگو هیچ مصیبتی به ما نخواهد رسید مگر آن‌چه که خداوند بر ما نوشته کرده است. نتیجه و ثمره‌یی که یک مؤمن، از این آیات به‌دست می‌آورد، همانا سکون روانی و آرامش خاطر و اعتماد بر حکمت و عدالت و رحمت الهی می‌باشد. این مؤمن زمانی که شهوتی از شهوات را ترک می‌کند، و خود را از بندها و زنجیرهای درونی آزاد می‌سازد، در عوض به حلاوت قلبی و نور بصیرت نایل می‌گردد. او کسی است که هواهای نفسانی را خاص به‌خاطر رضای خدا ترک می‌کند و از دودن به دنبال اغراض و مناصب و اهداف دنیوی اجتناب می‌ورزد و در کنف رحمت الهی آرام می‌گیرد. آیا هدفی و الاثر از خدا وجود دارد؟

او درک می‌کند که با خدا بودن، بالاتر از همه نعمات است؛ زیرا همه اعداد در برابر بی‌نهایت صفر است.

مؤمنی که برای رضای خدا کار می‌کند، از همت بلند برخوردار می‌شود و دیگر خسته‌گی و کسالت و تنبلی را به خود راه نمی‌دهد. کسی خسته می‌شود که اجیر است و چشم پادشاه دارد و یا این‌که از ترس کار می‌کند، اما کسی که آرزویش رضا و خشنودی پروردگار باشد، خسته‌گی‌ناپذیر است؛ زیرا که هدف و آرمان او بالا تر از مطامع دنیوی و غنایم مادی است. او بنده عاشق و دوست‌دار و داوطلب است، او کار و فعالیت را سعادت می‌داند، از این جهت است که او را خشمگین و اندوهناک نمی‌بینی، بلکه همواره گشاده‌روی، متبسم و خوش‌بین بوده و در همه احوال، سپاس‌گزار پروردگار می‌باشد و به روزگار نفرین نمی‌فرستد و کوتاهی را به خداوند نسبت نمی‌دهد.

این‌گونه حالت روانی نادر و ممتاز، ثمره‌یی از ثمرات ایمان به قرآن و توحید است. ایمان توحیدی، همه عناصر موجود در نفس آدمی را وحدت بخشیده و همه مشاعر و احساساتش را به سوی یک منبع فرمان‌بری توجیه می‌نماید و سامان می‌دهد. برعکس، شرک و چندخدایی به تفرق و پراکنده‌گی مشاعر و انقسام نفس انسانی می‌انجامد و توجه وی را به جهت‌ها و منابع متعدد معطوف نموده و شخصیت وی را متفرق و پراکنده می‌سازد.

اگر به قرآن مراجعه کنیم، به روان‌شناسی بی‌دست خواهیم یافت که کاملاً بدیع، ممتاز و بی‌همتاست. قرآن قبل از این‌که تمدن جدیدی را پی‌افکند و روند تاریخ را دگرگون سازد، انسان‌ها را به‌طور خاص تربیت نمود و روح و روان آن‌ها را از ریشه متحول کرد و به‌طور بدیع و ابتکاری تکامل بخشید و آن‌ها را به سکون و آرامش حقیقی و اعتماد به نفس و علو همت رسانید؛ زیرا قرآن از نزد مربی حقیقی یعنی بارگاه عزت و جلال الهی سرچشمه گرفته است.

وتجدید

دیدار

جان پیور



۱ با وجود این که جان پیور در مصاحبه با پاریس ریویو، افرادی را که با شخصیت‌های داستان‌هایش هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و یا این که حتی نقشی کمرنگ از خود در داستان‌هایشان قایل می‌شوند، مسخره می‌کند؛ اما مانند هر نویسنده‌ی در عالم، نقش دیده‌ها و شنیده‌ها و به‌خصوص زنده‌گی خانواده‌گی‌اش که ظاهراً دست‌مایه عمده کارهای ادبی‌اش بوده‌اند، در داستان تجدید دیدار پیداست.

پیور متولد کوئینی در ماساچوست است. از زمان تولد در ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۹، زنده‌گی آرام و عاطفی خوشایندی را تجربه کرد تا این که در این سال با ورشکستگی پدرش، ظاهراً زنده‌گی روانی وی (پدرش) همانند زنده‌گی اقتصادی‌اش از هم پاشید و خانواده را ترک کرد. به نظر می‌رسد تا تأثیر از هم پاشیده شدن زنده‌گی خانوادگی بر روحیه و بعد ادبیات پیور نقش مهمی داشته است. البته این مسأله ظاهراً وراثتی بوده، چون تأثیر این بحران‌ها بر پدر وی که در داستان تجدید دیدار، تصویر فانتزی ولی دردآلود از او ارایه شده، خرد کننده به نظر می‌رسد. این نکته مهمی است که باید در بررسی آثار پیور و به‌خصوص شخصیت‌های مضمحل و مچاله شده داستان‌هایش مد نظر داشت.

پیور یک الگوی معنی واقعی است. نوشته‌های خود را با سلیقه عمومی نوشته‌های او، خاص دهه‌های پنجاه

ایالات متحده هستند. منتها مردمی بودن او به سبب روحیه خاص و منش تقریباً منحصر به فرد زنده‌گی اوست

از جمله ایرادهایی که بر داستان‌سرایی مینی‌مالیستی به سبک امثال جان پیور و آن بینی و ریموند کارور گرفته‌اند، برهنه کردن افراطی داستان و هرس کردن بی‌رحمانه همه شاخ و برگ‌هایی است که به هر حال می‌توانند اگر نه حقیقت‌بخش، بلکه زیبایی‌آفرین باشند.

ایرادهای دیگر از جمله مطرح نکردن مفاهیم تاریخی و سیاسی و اجتماعی یا حذف ایده‌های بزرگ و نظیر این، هیچ‌گاه قابل پذیرش نبوده است؛ اما افراط در حذف چرا

۲ تأثیرپذیری از فرهنگ عامه، در آمیختن آن با بن‌مایه‌های عرفانی که به ویژه از دهه ۱۹۵۰ میلادی به دنبال استحاله‌های ریالیسم در آمریکا به وجود آمد و افزایش نسبی رفاه مادی بعد از بحران‌های جنگ و افت‌وخیزهای اقتصاد آمریکا، سبب شد تا شکل دیگری از زنده‌گی، توأم با کسب و تجارت و رونق گرفتن زنده‌گی در حومه شهرها پدید آید. در کنار این، ادبیات خلاق دچار دگرپرسی شد و اخلاق‌گرایی توأم با اعتراض، در قالب طنزهای سیاه ولی با لحن نرم و گاه پیچیده در ظاهری شاد، امثال جان پیور و جان آلدایک را از جمله پدیده‌های خاص داستان‌نویسی و به‌خصوص داستان کوتاه این برهه زمانی، به جهان ادبیات معرفی کرد.

۳ پیور یک الگوی هنرمند مردمی به معنی واقعی است. نه این که مضامین نوشته‌های خود را به دلیل همراه شدن با سلیقه عمومی پایین بیاورد، برعکس نوشته‌های او چنان‌که اشاره شد، تصویرگر پسامدرنیته خاص دهه‌های پنجاه و شصت ادبیات ایالات متحده هستند. منتها مردمی بودن او به سبب روحیه خاص و منش تقریباً منحصر به فرد زنده‌گی اوست. از نظر نویسنده‌گی البته پیور به درجات بالایی رسیده است. در دانشگاه‌های آیوا و پستون و کالج بارنارد، نویسنده‌گی خلاق و داستان‌نویسی تدریس کرده است. برای نوشتن فیلم‌نامه‌های مشهور مدت‌ها مورد توجه تهیه‌کنندگان هالیوود بوده است.

۴ در نزد مخاطبان فارسی‌زبان، جان پیور با داستان شناگر مشهور شد. آن‌هم بعد از آن‌که هالیوود بر اساس داستان، فیلمی با شرکت برت لنکستر ساخت. البته این فیلم چندان جذاب نیست، اما چیزی که هست، داستان‌هایی نظیر شناگر مدل مناسبی برای نمایش نوعی ساختارشکنی در عرصه نثرنویسی خلاق است که در

خواهد گذاشت. به هر حال، بعد از یک سری حوادث نه چندان خوشایند که طی آن هیمنه شخصیت پدر رویایی در رفتارهای سطح پایین و مستانه به شدت شکسته می‌شود، نوعی شکست روانی تراژیک برای پسر (راوی) که با صحنه شوخی و به قول معروف، سر به سر گذاشتن پدر با روزنامه‌فروش کامل می‌شود. جایی که نویسنده برای اولین بار به نوعی در رابطه با پدر، ظریف و میناتور از عبارت «بگذار کمی سر به سر این‌ها بگذارم...» استفاده می‌کند و مکثات قلبی و شخصیت مچاله شده او را به نمایش می‌گذارد. این جاست که به گفته داستان:

ج- پدرم گفت: یک لحظه صبر کن پسر. یک لحظه صبر کن، من کمی سر به سر این آدم بگذارم. گفتم خداحافظ پدر، و از پله‌های ایستگاه پایین رفتم. سوار قطار شدم و این آخرین باری بود که پدرم را دیدم.

۶ واقعیت آن است که پیور، تجربه پدر الکولی و مچاله شده را داشته است. در بوستون دچار عوارض روانی شده و به الکل روی آورده. حتا به مدت یک ماه در مرکز بازپروری در نیویارک تحت درمان بوده است. در یکی از رمان‌هایش در این خصوص نوشته است و جالب این که شخصیت رمان، یک شخصیت فرهیخته و دانشگاهی است که در طی حضورش در زندان، استحال عمیق روانی پیدا می‌کند و دچار دگرپرسی مثبت شخصیتی می‌شود. به هر حال، پیور از مچاله شدن روانی پدرش بعد از ورشکستگی اقتصادی و ترک خانه و آخرین دیدار، به جز یک خاطره دردناک و امید به یأس بدل شده، چیز دیگری با خود به یادگار نمی‌برد.

۷ خواننده خود به قرینه درمی‌یابد که پدر یک کلاش و حقه‌باز است و نه کلویی دارد و نه کاسی‌بی (چند ضربه به پشت من زد و گفت: «سلام چارلی چه‌طور هستی پسر؟ خیلی دلم می‌خواست می‌شد برویم کلومب را بهت نشان بدهم. اما در خیابان شماره شصتم هست.») همانند داستان پدر چخوف، تنها با قدرت‌نمایی کاذب، با رفتارهای تحقیرآمیز با افرادی که به حکم وظیفه مجبور اند این گونه رفتارها را تا حدی تحمل کنند، می‌خواهد جلو پسرش برای خودش و جاهتی بتراند و البته طبیعی است که پسر خرد شدن شخصیت او را در قالب این قدرت‌نمایی‌های ظاهری درمی‌یابد و دچار غم و سرخورده‌گی و خشم عمیقی می‌شود که به جدایی دایم او از پدر می‌انجامد.

۸ از جمله ایرادهایی که بر داستان‌سرایی مینی‌مالیستی به سبک امثال جان پیور و آن بینی و ریموند کارور گرفته‌اند، برهنه کردن افراطی داستان و هرس کردن بی‌رحمانه همه شاخ و برگ‌هایی است که به هر حال می‌توانند اگر نه حقیقت‌بخش، بلکه زیبایی‌آفرین باشند. ایرادهای دیگر از جمله مطرح نکردن مفاهیم تاریخی و سیاسی و اجتماعی یا حذف ایده‌های بزرگ و نظیر این، هیچ‌گاه قابل پذیرش نبوده است؛ اما افراط در حذف چرا

هنرمند مردمی به نه این که مضامین به دلیل همراه شدن پایین بیاورد، برعکس تصویرگر پسامدرنیته و شصت ادبیات

ایالات متحده هستند. منتها مردمی بودن او به سبب روحیه خاص و منش تقریباً منحصر به فرد زنده‌گی اوست

از جمله ایرادهایی که بر داستان‌سرایی مینی‌مالیستی به سبک امثال جان پیور و آن بینی و ریموند کارور گرفته‌اند، برهنه کردن افراطی داستان و هرس کردن بی‌رحمانه همه شاخ و برگ‌هایی است که به هر حال می‌توانند اگر نه حقیقت‌بخش، بلکه زیبایی‌آفرین باشند.

ایرادهای دیگر از جمله مطرح نکردن مفاهیم تاریخی و سیاسی و اجتماعی یا حذف ایده‌های بزرگ و نظیر این، هیچ‌گاه قابل پذیرش نبوده است؛ اما افراط در حذف چرا

نه این که مضامین نوشته‌های خود را به دلیل همراه شدن با سلیقه عمومی پایین بیاورد، برعکس نوشته‌های او چنان‌که اشاره شد، تصویرگر پسامدرنیته خاص دهه‌های پنجاه و شصت ادبیات ایالات متحده هستند. منتها مردمی بودن او به سبب روحیه خاص و منش تقریباً منحصر به فرد زنده‌گی اوست.

در مورد الف، به نظر می‌بایست این ماجرای واقعی آخرین دیدار پیور با پدرش باشد. پدری که وجود او را تا نوجوانی با تمام وجود طلب می‌کرده و با جدا شدن او ضربه روانی شدیدی خورده است. دقت در داستان نشان می‌دهد که در تمام این مدت، پدر برای پسر یک شخصیت آرمانی بوده است. اما بخش ظریف داستان در مورد الف است. جایی که راوی، به دلیلی موهوم که می‌توان شهودی دانست. حس می‌کند که در آینده به نسخه بدل پدرش تبدیل خواهد شد. به بیان داستان وقتی سنش بالاتر رفت، چیزی شبیه او خواهد شد. این نکته مهمی است واژه بازگشت دوباره، اگر قدری با دقت و وسواس موشکافی شود، تنها تجدید دیدار نیست. یکی شدن مجدد است. به عبارتی به هم پیوستن دو بخش به ظاهر مجزا و یک‌پارچه شدن آن‌هاست. بخش‌هایی که انگار در گذشته از هم جدا شده و سپس به هم پیوسته و یکی شده‌اند. انگار که در تمام مدت چنین جدایی را تحمل ناپذیر می‌دانسته‌اند و در ذات خود انتظار وصل دوباره را می‌کشیده‌اند. چیزی مثل وصال در برابر هجران که در ادبیات کلاسیک فارسی مرسوم است.

در بخش ب، پسر با اشتیاق تمام و به نوعی با تمام وجود می‌خواهد وجود پدر را احساس کند. مثل مادرش که با عشق به بوییدن گل‌ها می‌پردازد. او وجود پدرش را می‌بوید. مینی‌مالیسم افراطی پیور، هیچ‌گاه الکولیسم پدر را بیش از این توضیح نمی‌دهد و این شاید نوعی حذف افراطی باشد که بر درون‌مایه داستان - به ویژه اگر دقیق و چند باره خواننده نشود - تأثیر

زمان خود تحول‌برانگیز بوده است. هر انسان پدیده‌ی منحصر به فرد در دنیای امروز است. اما ریالیسم نخبه‌گرای پیش از دهه چهل، وجه ارگانیک انسان را طوری در تاروپود ریالیسم جا داده بود که انسان به عنوان یک موجود انسانی (با همه وجوه متفاوت و متناقض) در حوزه ادبیات جایگاهی نداشت.

۵ داستان تجدید دیدار، به ظاهر از سنخ داستان‌های دوران جوانی چخوف است. اگر ملاک ظاهر و نوع نگارش باشد، البته می‌توان شباهت ساختاری میان دو نویسنده برقرار کرد و اطلاق واژه چخوف جدید را برای جان پیور منطقی دانست مشروط بر این که سایر داستان‌هایش نیز چنین حال‌وهوای روایتی داشته باشند که البته برخی دارند و برخی خیر. به هر حال، این ظاهر قضیه است. اگر به دنبال هسته اصلی داستان بگردیم، دقت در این بخش‌ها می‌تواند راه‌گشا باشد. جایی که نویسنده با نوعی ظرافت میناتور، اثر به ظاهر ساده را رنگ‌ولعاب تراژیک و البته هنری داده است:

الف- سه سالی می‌شد که او و مادر از هم جدا شده بودند و من از آن موقع او را ندیده بودم. اما مدت زیادی نگذشت که حس پدر فرزندی را در خود احساس کردم و حس کردم که خو و گوشت و آینده و سرنوشت‌مان به هم سرشته است. احساس می‌کردم که وقتی سنم بالاتر رفت، چیزی خواهم شد شبیه به او و بهتر است فعالیت‌هایم را با محدودیت‌های او تنظیم کنم...

ب- مردی بود جا افتاده و خوش لباس، و من از این که دوباره او را می‌دیدم، با تمام وجود خوشحال بودم...

ج- پدرم گفت: یک لحظه صبر کن پسر. یک لحظه صبر کن، من کمی سر به سر این آدم بگذارم. گفتم خداحافظ پدر، و از پله‌های ایستگاه پایین رفتم. سوار قطار شدم و این آخرین باری بود که پدرم را دیدم. پیور یک الگوی هنرمند مردمی به معنی واقعی است.



معین مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله:

باند شش نفری قاچاق چیان مواد مخدر را در بغلان بازداشت کردیم

در سه ماه امسال ۷۴۰ قاچاقچی مواد مخدر بازداشت شده‌اند



ابوبکر صدیق

مسئولان در معینت مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله از کشف و ضبط ۷۰۰ کیلوگرام مواد مخدر و بازداشت یک باند شش نفری قاچاقچیان در ولایت بغلان خبر می‌دهند.

باز محمد احمدی معین مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله دیروز (یکشنبه ۱۳ سرطان) در یک نشست خبری به رسانه‌ها گفت: اداره تحقیقات معینت مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله در عملیات روز دوشنبه در ولایت بغلان، ۷۰۰ کیلوگرام مواد مخدر که در یک موتر نوع هینو جابجا شده بود و قرار بود از این ولایت به ولایت هلمند و ولایات مرزی افغانستان جهت پروسس انتقال داده شود، کشف و ضبط کردند.

آقای احمدی افزود: در رابطه به این قضیه ۶ تن از قاچاقچیان، راننده موتر هینو و یک عراده موتر نوع بینس نیز به دست نیروهای مبارزه با مواد مخدر افتاده است.

معین مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله با یادآوری از دست‌آوردهای متسوبان این معینت گفت: در سه ماه نخست سال روان ۵۸۸ عملیات کشفی و ضبطی از طرف متسوبان معینت مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله در ولایات مختلف انجام شده است که در نتیجه ۱۲۲ اعشاریه ۶۲۳ تن مواد مخدر و مشروبات الکلی کشف و ضبط گردیده است.

آقای احمدی افزود: هم‌چنان، ۷۴۰ تن در رابطه به قاچاق این محموله‌ها بازداشت شده، ۱۱۱

عراده انتقال محموله‌ها و دوصد و پنجا و سه هزار و ۵۴۴ هزار دلار امریکایی نیز به دست نیروهای مبارزه با مواد مخدر افتاده است.

به گفته آقای احمدی، بیشتر شبکه‌های تولید مواد مخدر در ساحات ناامن و مرزی افغانستان قرار دارند و تولیدکننده‌گان مواد مخدر ارتباط مستقیم با طالبان دارند و در تبابی با گروه‌های تروریستی محموله‌های بزرگ مواد مخدر را از یک ولایت به ولایات دیگر و حتا به کشورهای اروپایی انتقال می‌دهند.

او گفت: معینت مبارزه با مواد مخدر تلاش می‌کند که تیم‌های کشفی خود را در سه ماه آینده که فصل قاچاق مواد مخدر شروع می‌شود بیشتر از پیش افزایش دهد و از قاچاق و تولید این پدیده جلوگیری کند.

او گفت: بیشتر مواد مخدر از ولایت شرقی کشور توسط قاچاقچیان جنوبی و جنوب غرب خریداری می‌شوند و پس از آن به ولایت جنوبی و مرزی انتقال و پس از پروسس در مراکز در این ولایت وجود دارد از مسیرهای آبی ایران و ترکیه به کشورهای اروپایی انتقال داده می‌شود.

آقای احمدی تصریح کرد: در عملیات اخیر قطعه خاص مبارزه با مواد مخدر وزارت داخله که در ولایات جلال آباد و بدخشان انجام شده، یک از مسوولان بزرگ طالبان به مولوی ایشه کشته و در جلال آباد دو فابریکه تولید پروسس مواد مخدر تخریب شد.

او هم‌چنان گفت: چون ساحات که عملیات انجام شده بیشتر تحت کنترل طالبان قرار داشت، در جریان تبادل آتش دو تن از سربازان قطعه خاص در بدخشان و یک تن در جلال‌آباد مجروح شده‌اند.

د چین د پوځي مرستو لومړنی برخه افغان حکومت ته وسپارل شوه



افغان ځواکونه پر خپلو پښو ودروي. ښاغلی اتمر وايي، له افغانستان سره د چین، هند او روسیې مرستو داسې سیمه ییز ډاډ رامنځته کړي چې افغانستان له ترهگری سره د مبارزې په برخه کې یوازې نه دی. حنیف اتمر زیاتوي:

«دغه مرستې د ترورېزم ملاتړو ته هم یو مهم پیغام لري چې دوی د ترورېزم پر وړاندې د داسې یوه لوی سیمه ییز حرکت چې د افغانستان د دولت په ابتکار پیل شوی د ترورېزم ملاتړي ورو ورو منزوي کړي او منزوي کوي یې، نو ښا همداسې چې ترورېزم به په سیمه کې ملگري ونه لري د ترورېزم ملاتړي به هم به سیمه کې ملگري ونه لري.» افغانستان ته به د چین د پوځي مرستو دوهمه برخه د راتلونکې اګسټ په میاشت کې وسپارل شي. له افغان حکومت سره د چین د پوځي همکارېو ژمنه پنځه میاشتې وړاندې د چین لوی درستیز جنرال فانگ فنگ هوی کابل ته د خپل سفر پر مهال له افغان چارواکو سره وکړه.

ښاغلي هوی همدا راز په دغه سفر کې د ترورېزم پر ضد د چین پاکستان-افغانستان-تاجکستان د گډې مبارزې طرحه هم وړاندې کړه او په زغرده یې دا وویل چې ترورېزم د افغانستان ترڅنګ د سیمې هېوادونه هم څپي او اړتیا ده چې د سیمې هېوادونه یې د له منځه وړلو لپاره منظمې هڅې وکړي.

په ورته وخت کې په کابل کې د چین سفیر یوچینگ چې د پوځي تجهیزاتو د سپارلو په مراسمو کې یې گډون کړی و وايي، په پوځي برخه له افغان حکومت سره همکاري د چین مسؤلیت دی.

نوموړی وايي، دواړه افغانستان او چین د ترورېزم له گډ گواښ سره مخ دي او چین به په گډه د دغه گواښ پر وړاندې له افغانستان سره مبارزه پرمخ یوسي.

ښاغلي یوچینگ زیاته کړه:

«دا زموږ د دوامداره پوځي همکارېو پیل دی چېن به تر خپلې وسې له افغان حکومت او افغان

ارگ:

با دست پُر به وارسا می‌رویم

هارون مجیدی

ارگ ریاست جمهوری می‌گوید که حکومت افغانستان شاخص‌هایی را که به عنوان کارخانه‌گی داشت، تکمیل کرده و با دست پُر به نشست وارسا می‌رود. حکومت افغانستان می‌گوید که تا هنوز این کشور در محراق توجه کشورهای کمک‌کننده قرار دارد.

قرار است تا کمتر از یک هفته دیگر، یکی از مهم‌ترین نشست‌های امنیتی نظامی برای افغانستان در شهر وارسا، پایتخت پولند برگزار شود.

این نشست ادامه نشست‌های مهم اعضای پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در راستای همکاری‌های نظامی و امنیتی به نیروهای امنیتی افغانستان پنداشته می‌شود. تا هنوز روشن نیست که از نشانی حکومت افغانستان چه کسانی به این نشست خواهند رفت و ریاست جمهوری می‌گوید که لیست هیأت افغانستان به‌زودی اعلام می‌شود.

شاه‌حسین مرتضوی معاون سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید که حکومت افغانستان کارهای خانه‌گی خود را انجام داده و در نشست وارسا با دست پُر می‌رود.

تکمیل شدن کابینه حکومت وحدت ملی، شفافیت در قراردادهای نهادهای امنیتی، اصلاحات در نهادهای امنیتی و به میان آوردن اصلاحات انتخاباتی از پیش‌شرط‌هایی بود که کشورهای کمک‌کننده خواهان به میان آمدن آن برای ادامه کمک‌های خود از افغانستان شده بودند. معاون سخنگوی ریاست جمهوری می‌گوید: حکومت افغانستان نیازمندی‌های نیروهای امنیتی را در طرح پنج‌ساله به نشست وارسا ارایه خواهد کرد.

آقای مرتضوی در ادامه صحبتش گفت: شاخص‌های را که دنیا در نشست وارسا از حکومت افغانستان توقع داشتند، افغانستان این شاخص‌ها را به عنوان کارخانه‌گی خود تکمیل کرده است.

به گفته آقای مرتضوی: «انتظار حکومت افغانستان این است تا کشورهای کمک‌کننده نیروهای امنیتی را برای مدت زمان طولانی حمایت کنند.»

پیش از این گفته‌ها و برداشته‌هایی وجود داشت که کشورهای حامی افغانستان به نسبت جنگ‌ها و ناآرامی‌هایی که تازه در بخش‌های دیگر دنیا وجود دارد، مردم افغانستان را فراموش خواهد کرد، اما معاون سخنگوی ریاست جمهوری با رد این گفته‌ها می‌گوید: برگزاری نشست وارسا خلاف این گفته‌ها را می‌رساند و حمایت قوی از نیروهای امنیتی افغانستان صورت خواهد گرفت و این کار سبب می‌شود تا ما جنگ با تروریسم با قوت بیشتر بپردازیم.

معاون سخنگوی ریاست جمهوری هم‌چنان می‌گوید: پیام اصلی نشست وارسا این است که کشورهای کمک‌کننده باز هم تعهد حمایت به مردم افغانستان می‌سپارند و این کار نشان‌گر آن است که تا هنوز افغانستان در محراق توجه کشورهای جهان قرار دارد.

آقای مرتضوی در پاسخ به این پرسش که برگزاری نشست وارسا برای حکومت افغانستان از چه اهمیتی برخوردار است، می‌گوید: «نیروهای امنیتی افغانستان سالانه بیش از چهار میلیارد دالر هزینه دارد که تأمین این مصارف از منابع داخلی دشوار است، هر چند بر بنیاد تعهدی که دولت افغانستان در نشست‌های پیشین سپرده بود باید یک بخشی از این مصارف از منابع داخلی تنظیم شود که این کار صورت گرفته، اما انتظار این است تا سال ۲۰۲۰ حمایت‌های بیرونی ادامه داشته باشد.»

معاون سخنگوی ریاست جمهوری می‌افزاید: امید است که دنیا با درک درست از شرایط افغانستان کمک‌های خود را با نیروهای امنیتی ادامه دهند.

به تازه‌گی اسماعیل آرامز، نماینده ملکی ناتو نیز گفته است که کشورهای عضو ناتو در نشست وارسا تعهد خواهند کرد که به همکاری درازمدت با نیروهای امنیتی افغانستان تا سال ۲۰۲۰ میلادی ادامه می‌دهند. نماینده ملکی ناتو تأکید کرده است که کمک به افغانستان دوجانبه است و کشورهای عضو این سازمان در بدل همکاری‌های شان خواستار ثبات سیاسی، مبارزه علیه فساد، اصلاحات در نظام انتخاباتی و تأمین حقوق بشر اند.

پوځيانو سره مرسته وكړي خو د دغې ځواكونو ظرفيت لوړ شي او له خپلې خاورې د ښه دفاع توان پيدا كړي.»

د ملي دفاع وزارت د لورښتكي او تايميناتو چارو معین غلام سخي احمدزی وايي چې له افغانستان سره د چین له لوري په پوځي مرستو کې هغه وسایل شامل دي چې وړاندې د ملي دفاع وزارت یې لېست چینیایي چارواکو ته سپارلی و.

ښاغلي احمدزي وويل چې دغه مرستې د افغانستان د وسله وال پوځ لپاره خورا حیاتي ارزښت لري او په روانه جگړه ترې ډېره گټه پورته شي.

فیسبک نامه



احمد ولی مسعود

دیکتاتورها داریم؛ اما دیکتاتوری ممکن نیست!
 آرزوی ایجاد دولت دیکتاتور، هرچند تا هنوز زمزمه های روزگار ماست، اما زمینه ها و شرایط آن فقط خاطره های تلخ تاریخ ناکام کشور ما را می سازد و بس. آری، هنوز هم خود محورانی داریم که بنابر عدم درک افکار و درنظر گرفتن دیگران، خود را عقل کل و صلاح مملکت می دانند و غیر از دید خودشان، خواست دیگران برای شان معنی ندارد، دروغ پردازی که بخاطر تأیید تصورات خود محورانه و توجیه افکار غیر واقعی خود به بزرگترین و بیشترین دوزخ ها می پردازند تا آنجاها که واقعیت و دروغ برای شان یکی میشود. اینان انحصارگرایانی اند که بر عالم و آدم حس مالکیت می نمایند و همه قدرت و ثروت را به خود دانای مطلق میخوانند. چنان بدگمان و سوء ظن دارند که غیر از خود به کسی حتا نزدیکترین ها اعتماد ندارند و تصمیم دیگران را بر جایگاه خود خیانت و تخریب می شمارند و بخاطر این ترس است که چیزی بنام وفاداری، راستی و جوانمردی نمی شناسند. اما خوشبختانه جامعه امروز ما در یک مرحله « گذار» قرار دارد و این مرحله به هیچ قیمتی و با هیچ نیرویی، دیکتاتوری را بر نمی تابد و شدیداً در جهت معکوس آن قرار دارد. مرحله یی که از یک جامعه سنتی و بسته و بحران های تاریخی، بطرف هویت یابی، حق طلبی، عدالت خواهی، شهروندمداری و مشروعیت خواهی ... عبور می نمایم، مرحله که فرد فرد جامعه از هر قوم و ملیت و خورد کلان برای خود حقی قائل اند. با این حالت و در نبود رهبری ملی و یا هم رهبر قدرتمند هرنوع تلاش برای دیکتاتوری، در واقع رویا رویی یک، در مقابل همه است.

به خصوص در این دنیای اطلاعات و بیداری سیاسی، آرزوی دیکتاتوری به آرزوی انتحاری می ماند که در جهت معکوس جهان امروز قرار میگیرد و جز تباهی چیزی ندارد. وهان فجیح ترین جنایات بشری با مریض ترین افکار دیکتاتوران اتفاق افتاده اند.

تابش فروغ



منتقدان را محاسدان نپندارید!

هنوز محدود دلایلی وجود دارد که شهروندان به نظام کنونی تمکین کنند. این وضع ماندنی نیست؛ اگر رهبران نظام در نوع ذهنیت مدیریتی شان تغییر ایجاد نکنند. از قضا هم اگر شده مردم افغانستان برای اولین بار از خودشان شوق بی پایانی برای براندازی نظام بر نمی تابانند. مردم به درستی می دانند که بدیل های موجود به حکومت کنونی، بدیل های امیدوار کننده و قابل اتکا نیستند. حلقه معاندان نظام هر روز بزرگ تر می شود، اما با این حال نیز، اصلاحات تنها خواسته مردم از نظام است. این خواست مشروع، منطقی و شهروندی ست. ادبیات اعتراض بر تکراری و تمامیت خواهی حلقاتی در ساختار حکومت، ادبیات براندازی نیست. سران نظام به جای این که منتقدان را محاسدان بشمارند، می توانند از آنها بشنوند تا حصارهای معلوماتی که پیرامون شان کشیده شده است، درهم بشکند. در چنین شرایطی هیچ نیروی سیاسی به جز خود حکومت، ظرفیت جلوگیری از سقوط نظام را ندارد. رفتار مبتنی بر قانون، نفی تمامیت خواهی و تبعیض و گزینش های تخصص محور راه حفظ ثبات نظام است. هرازگاهی که حکومت توانایی برخورد یکسان و همگون با تمامی شهروندان را از دست بدهد، شورش، براندازی و سقوط اجتناب ناپذیر است.

کاوه آهنگر



رییس جمهور کاکای خود را که بیش از ۷۰ سال عمر دارد، سفیر مقرر می کند؛ قابل درک است. ریاست جمهوری با این کار رییس جمهور مورد انتقاد شدید رسانه ها قرار می گیرد؛ قابل درک است. ریاست جمهوری وقتی مورد پرسش خبرنگاران و رسانه ها در رابطه به این تصمیم رییس جمهور قرار می گیرد، سکوت می کند و تمام تلفون های ارتباطی با رسانه ها را خاموش می کند و نه سخنگوی رییس جمهور و نه هم یک تولی معاونین سخنگوی او، از هیچ یک در این رابطه صدایی بر نمی آید؛ این هم قابل درک است، چون هیچ ممکن نیست چنین اقدامی غیرقانونی و غیراصولی را توجیه کرد. و اما ریاست اجرایی از این تصمیم دفاع می کند و اظهار می دارد که این تصمیم در هم آهنگی با ریاست اجرایی گرفته شده است؛ این مورد قابل درک نیست، یعنی من نفهمیدم که چرا باید ریاست اجرایی از یک تصمیم غیرقانونی و غیراصولی رییس جمهور دفاع کند؟! البته این بار نخست نیست که ریاست اجرایی در صدد دفاع از اقدامات ریاست جمهوری می برآید، به ویژه اقداماتی که مورد انتقاد شدید رسانه ها و جامعه مدنی کشور قرار می گیرد. یک مورد دیگر دفاع «پرشور» دکتر مجیب الرحمن رحیمی از امضای موافقت نامه همکاری امنیتی میان ریاست امنیت ملی و استخبارات پاکستان بود که نه تنها ریاست جمهوری، بلکه شورای امنیت ملی هم هراس داشت از این اقدام دفاع کند.

هند آماده گفت و گوی همه جانبه با پاکستان است

سخنگوی وزارت امور خارجه هند با رد ادعای پاکستان در خصوص خودداری این کشور از گفت و گو با اسلام آباد اظهار کرد، دهلی نو آماده گفت و گوی همه جانبه با پاکستان در تمامی زمینه ها و مسایل میان دو کشور به صورت دوجانبه و به دور از تروریسم و خشونت است. ویکاس سواراپ اظهار کرد که هند همواره برای گفت و گو با پاکستان پیشگام بوده است.

او با اشاره به دعوت ناردرا مودی از همتای پاکستانی اش برای حضور در مراسم سوگند خود در سال ۲۰۱۴ خاطر نشان کرد: این دعوت و به دنبال آن سفر وزیر خارجه هند به پاکستان نشان دهنده، حسن نیت هند است.

سواروپ با اشاره به حمله مهاجمان به پایگاه هوایی پتانکت اظهار کرد: درخواست برای اقدام قاطع پاکستان با عوامل این حمله خواسته طبیعی و منطقی هند است.

او با بیان این که پاکستان دست داشتن اتباع این کشور در حمله به پایگاه هوایی را رد نکرده افزود: هند خواستار اقدام قاطع و فوری پاکستان با این افراد شده است.

این سخنان سخنگوی وزارت امور خارجه هند در واکنش به سخنان هفته گذشته سرتاج عزیز مشاور نخست وزیر پاکستان که هند را به خودداری از گفت و گو با این کشور متهم کرده بود بیان می شود.

سرتاج عزیز گفته بود، هند به این دلیل که گفت و گوها شامل مسأله کشمیر می شود، از مذاکره با پاکستان خودداری می کند.

گفت و گوهای معاونان وزارت امور خارجه هند و پاکستان که قرار بود ۱۵ جنوری برگزار شود به علت حمله تروریستی به پایگاه هوایی هند در پنجاب لغو شد.

هند ادعا می کند که ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان، با آموزش و حمایت مالی از شبه نظامیان به آنها برای نفوذ و بی ثباتی در این کشور تلاش می کند.

پاکستان همواره ادعای حمایت هند از تروریسم را رد کرده است. کشمیر یکی از اختلاف های اصلی بین هند و پاکستان از زمان استقلال و جدایی این دو کشور از یکدیگر است.

اردوغان: بشار اسد بدتر از داعش است

رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه در مراسم افطاری سازمان هلال احمر این کشور در شهر کلیس در جنوب ترکیه مدعی شد: «ما نمی توانیم حکومت «ظالمی» را بپذیریم که به تروریسم دولتی پرداخته و موجب کشته شدن ۶۰۰ هزار سوری شده است؛ رهبر سوریه یکی از ریشه های اصلی جنگ در سوریه است که «تجاوزات خصمانه اش» از تجاوزات گروه های تروریستی مثل «حزب اتحاد دموکراتیک سوریه» و «یگان های مدافع خلق کرد» و داعش فراتر رفته است!»

اردوغان بدون نام کشور یا گروه خاصی گفت: برخی طرف ها نمی خواهند مردم سوریه کشورشان را خود اداره کنند و شاید علاوه بر «پ. ی. د» و «ی. پ. گ»، داعش یکی از ابزارهایی است که برای رسیدن به این هدف استفاده می شود.

او با بیان این ادعا که «جنگ با داعش همواره الویت آنکارا بوده» گفت: داعش نماینده مسلمانان در سوریه نیست. «پ. ی. د» و «ی. پ. گ» نیز نماینده کردها نیستند. این دو گروه ابزارهایی برای رسیدن به اهداف شومی در منطقه به نفع رهبران شان هستند.

اردوغان درباره ارایه تسهیلات به آواره گان سوری و امکان دست یابی آنها به تابعیت ترکیه گفت: برخی از این آواره گان خواهان دست یابی به چنین چیزی هستند. وزارت کشور ترکیه اقداماتی را برای دادن تابعیت به این افراد اتخاذ کرده است. ما از طریق دفتری که وزارت کشور به همین منظور تأسیس کرده به آنها تابعیت خواهیم داد.

رییس جمهور ترکیه گفت: «مردم سوریه به خاطر استقلال و آینده خود وارد مبارزه تاریخی شده اند. اگر مداخله گروه های خارجی و تروریست ها و حمایتی که از نظام صورت می گیرد، نبود سوریه امروز آزاد و امن بود.»

اردوغان درباره بحران پناهجویان گفت: پیامدهای بحران انسانی پناهجویان متوجه کشورهای همجوار سوریه است. کشور ما میزبان سه میلیون آواره است و حدود سه میلیون دیگر نیز در لبنان، اردن و عراق هستند.

او در اشاره به عادی سازی روابط با روسیه نیز گفت: یکی از طرح های خارجی که ترکیه در دوره اخیر آن را اجرایی کرده تسهیل در اتخاذ اقداماتی در جهت حل بحران سوریه است. ما طرح های دیگری را نیز در این خصوص در اختیار داریم.

ترکیه پس از عادی سازی روابط با اسرائیل اخیراً از مسکو به دلیل سرنگون کردن جنگنده روسی در سوریه عذرخواهی کرد و روند عادی سازی روابط با این کشور را از سر گرفت.

اظهارات اردوغان پس از حضور او در فرودگاه استانبول و دعا برای قربانیان حملات اخیر در این فرودگاه ایراد شد.

آلمان ایتالیا را شکست داد و راهی نیمه نهایی یورو شد



دو غول فوتبال اروپا و جهان - آلمان و ایتالیا- شب گذشته به مصاف یکدیگر رفتند که پس از ۱۲۰ دقیقه تلاش، دو تیم تن به تساوی یک بر یک دادند تا تکلیف تیم صعود کنند در ضربات پنالتی مشخص شود.

دو تیم بازی را بسیار خوب شروع کردند و حملاتی روی دروازه یکدیگر داشتند و با بی دقتی بازیکنان و دفاع خوب دروازه بانان به گل نرسیدند.

هر دو تیم ۹ ضربه پنالتی زدند و در نهایت آلمان ها با نتیجه ۶ بر ۵ ایتالیا را شکست داد و به نیمه نهایی رقابت های یورو ۲۰۱۶ راه پیدا کرد.

این دیدار در استادیوم نیو بوردو به قضاوت ویکتور کاسای مجارستانی برگزار شد و مطمئناً زیباترین بازی یورو ۲۰۱۶ تا به این لحظه بود.

بعد از حملات نصف و نیمه هر دو تیم، در دقیقه ۶۵ آلمان توسط اوزیل به گل رسید، او موفق شد روی پاس جوناس هکتور دروازه ایتالیا را باز کرده تا بوفون اولین گلش را در این رقابت ها دریافت کند.

پس از این ایتالیا برای زدن گل تساوی به دروازه نویر حمله ور شدند و نتیجه داد، توپ در محوطه جریمه به دست بوتانگ برخورد کرد، داور نیز نقطه پنالتی را نشان داد، بونوچی در دقیقه ۷۸ بازی پشت توپ ایستاد و ضربه اش را به گل تبدیل کرد.

در پایان این بازی گل به همراه نداشت و هر دو تیم بعد از ۱۲۰ دقیقه راهی ضربات پنالتی شدند و در مجموع ۱۸ پنالتی زده شد که در نهایت جرمن ها موفق شد با نتیجه ۶ بر ۵ آنزوری های را شکست دهد.

این اولین پیروزی آلمان مقابل ایتالیا در بازی های رسمی بود و طلسم ۵۴ ساله آنها در مقابل این تیم شکسته شد، جرمن ها با این برد راهی مرحله نیمه نهایی شدند.

آلمان ها در روز پنجشنبه همین هفته با برنده دیدار فرانسه و ایسلند در مرحله نیمه نهایی دیدار خواهند کرد.

منچستر یونایتد می خواهد با خرید پوگبا رکوردشکنی کند



باشگاه منچستر یونایتد برای بازگرداندن هافبک پیشین خود قصد دارد بمب نقل و انتقالات را منفجر کند.

سران باشگاه منچستر یونایتد به اطلاع مدیران باشگاه یوونتوس رسانده اند که حاضرند در ازای به خدمت گرفتن پل پوگبا رکورد نقل و انتقالات را بشکنند. باشگاه منچستر یونایتد حاضر است ۱۰۰ میلیون پوند بابت خرید هافبک تیم ملی فرانسه به بانوی پیر بپردازد.

شیاطین سرخ برای بازگرداندن هافبک پیشین خود به اولدترافورد با تیم هایی همچون رئال مادرید، بارسلونا و پاری سن ژرمن رقابت دارند. پوگبا ۲۳ ساله بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ در منچستر یونایتد عضویت داشت و به خاطر عدم اعتماد سرالکس فرگوسن از این تیم جدا و به یوونتوس، جایی که تبدیل به بازیکن بزرگی شد، پیوست.

ژوزه مورینیو که تا کنون موفق به خرید اریک بایلی، زلتان ابراهیموویچ و هنریک مخیتاریان شده، امیدوار است تا پوگبا را تبدیل به چهارمین خرید تابستانی اش پس از قبول سرمربیگری منچستر یونایتد کند.

Mandegar

ویراستار: روح الله یوسف زاده
مدیر خبر: جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری، محمد هارون مجیدی، ابوبکر صدیق، روح الله بهزاد و ننگیالی عثمانی
برگ آرای: مجیب الله احمدی

همکاری جاپان و هند در چابهار

قاعد بازی در آسیا عوض می‌شود



اکنون پس از امضای توافقنامه ۳ جانبه هند، ایران و افغانستان، جاپان برای توسعه بندر چابهار تلاش‌هایش را برای همکاری با دهلی‌نو به منظور توسعه این بندر آغاز کرده است. یک رسانه هندی در گزارشی نوشت: همکاری هند و جاپان در بندر چابهار می‌تواند قاعده بازی در آسیا را تغییر دهد.

همکاری هند با جاپان در گسترش پروژه بندر چابهار دستاورد دیگری برای دهلی‌نو برای توسعه این بندر اقتصادی خواهد بود و جایگاه سیاسی و اقتصادی‌اش را در منطقه بالا می‌برد.

نشریه هندی وایر گزارش داد: نارندا مودی نخست وزیر هند در سفر اخیر خود به ایران یک توافقنامه تاریخی را با ایران به امضا رساند و آن هم توافق راه ترانزیتی برای توسعه بندر چابهار، توافقی که انتظار یک دهه هند را برای دستیابی به بازارهای کشورهای آسیای میانه به پایان رساند.

همکاری ایران، هند و افغانستان

اقدام همکاری موثر ایران، افغانستان و هند در اجرای این پروژه نه تنها سبب توسعه اقتصادی در منطقه می‌شود بلکه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پاکستان را در منطقه و حتی فعالیت‌های تجاری چین در بندر گوادر پاکستان را به عقب می‌راند.

این گزارش می‌افزاید: اکنون پس از امضای توافق ۳ کشور هند، ایران و افغانستان، جاپان تلاش‌هایش را برای همکاری با دهلی‌نو به منظور توسعه این بندر آغاز کرده است.

براساس گزارش‌ها، جاپان علاقه‌مندی خود را برای همکاری با دهلی‌نو در ایجاد یک پروژه مشترک در بندر چابهار نشان داده که این پروژه شامل ساختن یک بندر و یک مجتمع صنعتی می‌باشد.

تقویت روابط توکیو و تهران

در حال حاضر گفته می‌شود توکیو می‌خواهد روابطش را با تهران تقویت کند و شینزو آبه نخست وزیر جاپان امیدوار است که در جریان سفر پیش رویش به ایران توافقنامه بندر چابهار را نهایی سازد. این سفر که قرار است در آخر سال جاری میلادی به ایران صورت گیرد در بین دیگر پروژه‌های زیربنایی مسئله توافق روی بندر چابهار هم در دست اجراء است.

علاقه‌مندی جاپان برای سهم گرفتن در بندر چابهار نه تنها ضرورت و منافع توکیو را در جنوب آسیا تقویت می‌کند بلکه این کشور می‌خواهد که یک نقشه راه جدید مستقل را در این منطقه برایش ترسیم کند.

سیاستمداران جاپانی بر نقش بیشتر ژئوپلیتیک توکیو

در کشورهای جنوب آسیا و تقویت حضور این کشور در آسیای میانه تاکید دارند. این گزارش می‌افزاید: از نظر هندی‌ها همکاری بین دهلی‌جدید و توکیو در بندر چابهار می‌تواند قابلیت اقتصادی بندر چابهار را تقویت کند و ارزش این بندر استراتژیک را بالا ببرد.

مهم‌تر از همه این پروژه به عنوان یک تخته پرشی برای هند به شمار می‌رود و این کشور می‌خواهد که با شریک ساختن یک همکار دیگر نقش سیاسی اقتصادی‌اش را در منطقه تقویت کند.

گفت‌وگوها بین دهلی‌نو و توکیو به خاطر تقویت منطقه‌ای یک موضوع تازه نیست چرا که تقویت همکاری بین جاپان و هند در جنوب آسیا در جریان سفر نخست وزیر این کشور به هندوستان در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی اعلام شد.

زیرساخت‌های پایدار

هر ۲ نخست وزیر در آن زمان برای توسعه و تقویت قابل اعتماد، سبب زیرساخت‌های پایدار و انعطاف پذیر و تقویت اتصال بین هند و جاپان و کشورهای دیگر در منطقه می‌شوند.

اعلامیه مشترک که هر ۲ نخست وزیر در سال ۲۰۱۵ میلادی منتشر کردند شامل همکاری نزدیک در حفاظت از انبار جهانی در حوزه سایبری و فضای دریایی بود.

همچنان این اعلامیه شامل افزایش همکاری و تبادل اطلاعات در امر مبارزه مشترک با بنیادگرایی و تروریسم بود.

جدا از این در حال حاضر جاپان دولت هند را در

راه اندازی زیرساخت‌های دریایی کمک کرده است؛ توکیو و دهلی‌نو در حال رایزنی برای توکیو برای نصب و راه‌اندازی نیروگاه دیزلی ۱۵ مگاوات انرژی در جنوب جزیره «آندامان» است.

نقشه جدید آسیایی امنیت دریایی

روزنامه وال استریت ژورنال امریکا با انتشار گزارشی اعلام کرد: ایالات متحده امریکا، جاپان و هند یک نقشه جدید آسیایی امنیت دریایی را شکل داده‌اند تا قاطعانه در برابر بلند پروازی‌های مسلحانه چین ایستادگی کنند.

بنابراین توسعه بندر چابهار و همکاری جاپان با هند این بندر نقش هند و جاپان را در آب‌های اقیانوس هند بیشتر می‌سازد.

همچنین افزایش سطح همکاری این ۲ کشور در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی هر ۲ کشور را به یک متحد طبیعی برای همکاری در خلیج فارس مبدل می‌سازد.

فرا تر از همکاری اقتصادی، تجاری و زیرساخت‌ها در بندر چابهار، هند و جاپان با این همکاری به عنوان یک بازیگر پویا و قدرتمند در جنوب آسیا مبدل شوند.

با همکاری یکدیگر این ۲ کشور می‌تواند تلاش‌های جدی را برای تقویت روابط با کشورهای غرب آسیا آغاز کنند که تقویت همکاری‌های امنیتی گرفته تا همکاری در امر مبارزه با تروریسم بنیادگرایی را در برخواهد گرفت.

گفت: حکومت افغانستان در بخش‌های امنیتی و دفاعی با آمادگی کامل در اجلاس سران ناتو شرکت می‌کند و توقع دارد که در این نشست، تعهد دراز مدت کشورهای عضو ناتو را برای حمایت افغانستان به دست آورد. وی اظهار داشت: دولت افغانستان روند اصلاحات را در بخش‌های امنیتی و دفاعی به شکل خوبی پیش می‌برد و در این راستا به تعهدات خویش کاملاً پایبند است.

آراماز در ادامه این دیدار خاطر نشان کرد: کشورهای عضو ناتو به حمایت از افغانستان و همکاری‌های دراز مدت خویش با این کشور متعهد هستند.

سفیر غیرنظامی ناتو در افغانستان افزود: نشست وارسا که به منظور چگونگی کمک‌های نظامی سازمان ناتو به افغانستان برگزار می‌شود، مهم است و تلاش می‌شود در این نشست، در عرصه نظامی تعهد جامعه جهانی به دست آید.

وی اذعان داشت: آنها با نهادها و ادارات مربوطه افغانستان در مرحله آمادگی و طرح‌ریزی کار می‌کنند و الزامات لازم در نظر گرفته شده است.

سفیر غیرنظامی ناتو در کابل در دیدار با رییس‌اجرائی حکومت وحدت ملی از تعهد کشورهای عضو این سازمان برای همکاری‌های درازمدت با این کشور خبر داد.

ریاست‌اجرائی با انتشار بیانیه‌ی اعلام کرد: عبدالله رییس‌اجرائی حکومت وحدت ملی و اسماعیل آراماز سفیر غیرنظامی ناتو در کشور دیروز در قصر سپیدار کابل دیدار کردند.

عبدالله و آراماز در مورد آمادگی‌های افغانستان برای حضور در کنفرانس وارسا بحث کردند که قرار است هشتم و نهم ماه جاری میلادی در لهستان توسط کشورهای عضو ناتو برگزار شود. رییس‌اجرائی حکومت وحدت ملی در این دیدار

«سر مست» جایزه نجات میراث

فرهنگی یونسکو را به دست آورد



احمد ناصر سرمست، موسس و مسئول انستیتوی ملی موسیقی افغانستان جایزه «نجات میراث فرهنگی» سال ۲۰۱۶، مرکز عملی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) را بدست آورد. آقای سرمست به دلیل تلاش و دستاوردهایش در راستای حفظ و احیا موسیقی سنتی افغانستان این جایزه را بدست آورده است. او همچنین برای رشد موسیقی در میان کودکان و نوجوانان تلاش‌های زیادی کرده است.

این جایزه توسط وزیر فرهنگ ایتالیا به او داده شد. انستیتوی ملی موسیقی افغانستان ضمن اعلام این خیر افزوده است که این جایزه به منظور قدردانی از شجاعت، اراده و تلاش چهره‌های فرهنگی جهان که برای حفظ و نگهداری هنر به عنوان میراث فرهنگی بشریت کار و تلاش می‌نمایند، تعلق می‌گیرد. انستیتوی ملی موسیقی افغانستان از سوی آقای سرمست ایجاد شد و در سال ۲۰۱۰ با همکاری وزارت معارف افغانستان گشایش یافت.

این انستیتوت در ساختمان سابق مکتب هنرهای زیبا موقعیت دارد و ۱۵۰ دانش‌آموز در آن آموزش می‌بینند. قرار است شمار دانش‌آموزان به ۳۰۰ تن افزایش یابد که نیمی از آنها دختر خواهند بود.

آقای سرمست در کنسرواتوار مسکو آموزش دیده و بعدا تحصیلات خود را در زمینه موسیقی در استرالیا ادامه داد. او دکترای خود را در مورد موسیقی افغانستان از دانشگاه مونش استرالیا گرفت.

او در سال ۲۰۰۶ برای بررسی این موضوع که «چگونه می‌شود آسیب‌های ناشی از جنگ را بر موسیقی افغانستان زودود» و با هدف «نقش شفابخش موسیقی برای «آینده افغانستان»، به این کشور بازگشت.

قرار است شاخه‌هایی از این انستیتوت که موسیقی کلاسیک افغانستان و غربی تدریس می‌کند، به زودی در دیگر شهرهای افغانستان نیز ایجاد شود.

انجمن سلطنتی فیلارمونیک بریتانیا به دلیل خدمات فوق‌العاده آقای سرمست به موسیقی و جوانان کشورش عضویت افتخاری این انجمن را به او اهدا کرد.

شورای فرهنگی بریتانیا در زمینه توسعه آموزش و نصاب آموزشی به انستیتوی ملی موسیقی افغانستان، کمک می‌کند و همچنین تلاش دارد تا زمینه تحصیل شماری از دانش‌آموزان این انستیتو را در بریتانیا فراهم کند.

داکتر عبدالله در دیدار با سفیر ناتو:

نشست وارسا برای افغانستان مهم است



رییس‌اجرائی حکومت وحدت ملی در این دیدار